

لزوم نگاه عملگرایانه در قبال رابطه با غرب

۱۲ آبان ۱۳۹۳ ساعت ۲۳:۴۴

بعد از انقلاب اسلامی ما شاهد آن هستیم که غربی‌ها به سبب نگاه سکولاریستی که دارند، یک موضع مخالف علیه جمهوری اسلامی ایران می‌گیرند و انقلاب اسلامی ایران را مطلوب نمی‌دانند و با آن به مخالفت می‌پردازند. انقلاب اسلامی ایران نیز سیاست «نه شرقی و نه غربی» را با توجه به شعاری که در آن زمان متداول شده بود و حکایت از یک سیاست موازنه منفی دارد دنبال می‌کند و ایران از غرب فاصله می‌گیرد و بر این اساس، موضوع رابطه با غرب در بعد از انقلاب اسلامی ایران علاوه بر یک عامل عقیدتی و ایدئولوژیک به عنوان یک مساله راهبردی با توجه به همین شعار مورد بررسی قرار می‌گیرد و تقابل به طور خیلی جدی با غرب می‌انجامد.

موضوع رابطه با غرب که عمر آن شاید به ۲۰۰ سال گذشته می‌رسد، بعد از انقلاب مشروطه عملاً با تقسیم بندی‌های خاصی در ایران مواجه شد. یک عده به مانند مرحوم تقی زاده و ... طرفدار غرب و هضم شدن در غرب بودند و یک عده نیز مخالف بودند و بعد هم در دوران انقلاب نیز افکار به گونه‌ای با تغییرات فاحشی روبرو شد. مشخصاً انقلاب اسلامی ایران در قالب دو راهبرد شکل گرفت که یک راهبرد آن بر ضد استبداد بود که این راهبرد مربوط به مسائل داخلی است و یک راهبرد دیگر ضد استکباری بود که این راهبرد هم مربوط به سیاست خارجی و نوعی سیاست در قبال غرب است. در آنجا می‌بینیم که در اوائل انقلاب هم مساله رابطه با غرب در قالب جریان‌های مختلفی بررسی می‌شود و کسانی مانند مرحوم شریعتی و شهید مطهری و اندیشمندان دیگر بحث غرب را مطرح می‌کنند و هر کدام بر ضرورت تقابل با غرب و حفظ حقوق مردم و رعایت اسلام تاکید دارند.

بعد از انقلاب اسلامی ما شاهد آن هستیم که غربی‌ها به سبب نگاه سکولاریستی که دارند، یک موضع مخالف علیه جمهوری اسلامی ایران می‌گیرند و انقلاب اسلامی ایران را مطلوب نمی‌دانند و با آن به مخالفت می‌پردازند. انقلاب اسلامی ایران نیز سیاست «نه شرقی و نه غربی» را با توجه به شعاری که در آن زمان متداول شده بود و حکایت از یک سیاست موازنه منفی دارد دنبال می‌کند و ایران از غرب فاصله می‌گیرد و بر این اساس، موضوع رابطه با غرب در بعد از انقلاب اسلامی ایران علاوه بر یک عامل عقیدتی و ایدئولوژیک به عنوان یک مساله راهبردی با توجه به همین شعار مورد بررسی قرار می‌گیرد و تقابل به طور خیلی جدی با غرب می‌انجامد.

بعد از انقلاب اسلامی کسانی که نوع رابطه ایران با غرب را مطرح کردند نگاهشان بیشتر از آنکه در قالب سیاسی باشد در زمینه اقتصادی بوده است و بیشتر نگاه توسعه‌ای داشتند تا یک نگاه صرفاً سیاسی و از مزایای رابطه ایران و غرب برای توسعه کشور دم

می‌زنند که مشخصاً در دهه ۱۳۷۰ هجری شمسی رفسنجانی، رئیس‌جمهور وقت بحث رابطه با اروپا را مطرح می‌کند و بحث تنش زدایی با غرب اعم از آمریکا و اروپا را به عنوان مانع زدایی از سیاست خارجی دنبال می‌شود که این موضوع به جهت پایان دادن به سیاست‌های بایکوت، محاصره اقتصادی و تحریم ایران از سوی غرب مطرح می‌شود و کسانی که اغلب نگاه اقتصادی و تجاری دارند به طرفداری از این امر می‌پردازند.

حتی زمانی که رابطه فرهنگی نیز با غرب مطرح شده است، مشخصاً در یک دهه بعد یعنی در زمان آقای خاتمی بازهم بنیاد این رابطه مسائل اقتصادی است و با هدف تحریم زدایی از جمهوری اسلامی ایران مساله رابطه با غرب پیگیری می‌شود.

در طرف مقابل نیز یک عده رقابت مبتنی بر مبانی فکری با غرب را مطرح می‌کنند و معتقدند که اصولاً مبانی فکری غرب هیچگاه با مبانی جمهوری اسلامی همخوان نبوده و نیست. یک قسمت از این بحث به مساله سکولاریسم باز می‌گردد؛ چراکه انقلاب اسلامی در تضاد با این نحله فکری غرب است. یک بحث دیگر آن نیز استکبار است و تداوم و توجیه آن در قالب سیاست‌های قرن بیستم و بیست و یکم غرب که این موضوع نیز با سیاست کلی و مبدا قانون اساسی ایران همخوانی ندارد.

از سوی دیگر بحث دشمنی غرب را مطرح می‌کنند که غرب اصولاً دشمنی با ایران را دنبال می‌کند و حتی چراغ سبزی‌های آن نیز به عنوان یک دام برای فریب ایران در این جریان فکری تلقی می‌شود.

اما در شرایط کلی امروز در آن قرار داریم کسانی که نگاه مخالف نسبت با غرب داشتند و نیز کسانی که نگاه کاملاً تفریطی و پذیرشی نسبت به غرب داشتند تا حدی به صورت عملگرایانه به یکدیگر نزدیک شده‌اند؛ به این معنا که واقع‌گرایی و عمل‌گرایی تا حدی آنها را به هم نزدیک کرده است و فارغ از یک عده افرادی که کماکان یک نگاه تند نسبت به غرب دارند و یا در طرف مقابل با شیفتگی به غرب نگاه می‌کنند، امروز بحث رابطه با غرب بر سر نوع تعاملات، توافقات و تحلیل این عوامل شکل می‌گیرد. حتی مخالفینی که عمداً در جریان‌های مخالفت جمع شده‌اند کسانی هستند که غرب را درصدد تحمیل توافقات منفی و غیر قابل دفاع از شان و منافع ایران می‌بینند؛ یعنی درچارچوب توافقات این موضوعات مطرح می‌شود و طرف مقابل نیز این موضوع را مطرح می‌کنند که اصلاً نزدیکی به غرب به معنای تسلیم ایدئولوژیکی و راهبردی به غرب نیست بلکه در راستای کاهش تحریم‌ها و تهدیدها صورت می‌گیرد، ضمن اینکه ظرفیت‌های استراتژیک و عمق استراتژیک ایران را آزاد می‌کند که بتواند به عنوان یک بازیگر اصلی سیاست مترقی و هم‌توسعه ملی خود را پیش ببرد.

یکی از خوبی‌های شرایط امروز در رابطه با غرب این است طرفین مخالف و موافق در ایران به جای اینکه بیایند در یک فضای قیاسی و انتزاعی و ذهنی و بحث غرب و تقابل با آن را دنبال کنند این موضوع را بر سر توافقات و تعاملاتی که شکل گرفته پیگیری می‌کنند و یکی از دلایل این موضوع هم این است که یک متنی شکل گرفت که در قالب این متن ایران و غرب می‌توانند کارشان را پیش ببرند و اختلافات شان را حل و فصل کنند که این متن همان مساله هسته‌ای ایران است.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۲۲۶۰۲/بناغرب-رابطه-قبال-عملگرایانه-نگاه-لزوم>